



از روزنامه (تریبون دوزنو)

• یادداشت های موسیقی

پیدایش گاه ویولون : ارزش آن - ابزارهای کرایسلر ویاگانینی - يك ویولون ساز
زبر دست - موسیقی و وحشیان - يك شاگرد ماسکانی - وجدان فنی - دسته بندی موسیقی دانان -
يك تصویر از دالکروس .

چند هزار سال پیش از زادن مسیح یکی از پادشاهان سیلان (سرندیب)
(راوانا) نامیده میشد در زمان فرهاروایی او ابزاری ساده ساختند بنام (راواناسترون)
و آن يك تکه چوب بود که رویش سیمهائی کشیده بودند .

راواناسترون از خاور بیختر برده شد لیکن در شکل آن تغییرات بیشمار
راه یافت و نامهای کروت Krouit روت Rote و ربك Rebec و ویول Violle و ویل
Vielle را بخود گرفت .

در سده هجدهم هنوز ویول بسکار میرفت بخش بندیهای دسته ویول را از
میان برده از تعداد سیمها نیز کاستند ویولها چندین جور بودند :

۱ - چنگها که بر روی آنها سیمهائی بسیار کشیده میشد .

۲ - ویولا باستاردا که بزرگتر از (ویولای کامب) یعنی پدر بزرگ ویولونسل
بوده باش یا هفت سیم (اگر سیمهای کمکی را در شمار نیاوریم که زیر دسته گذشته

و مطابق سیمهای هفتگانه نخست كوك میشدند و بخوشاهنگی ارزه های صوتی میافزودند)
۳ - ویول عاشقانه با هفت سیم اصلی و هفت سیم فرعی که گاهی کوکشان با
سیمهای اصلی تفاوت داشت .

۴ - ویولا پومپوزا که بدست ژان سباستین باخ ساخته شد و با ویولون
کنونی نزدیکتر است همچنین يك ویولای سپاللا نیز در کار بود .
سترا دیوار یوس ویولون ساز نامدار کرمون در عهد لوئی چهاردهم ویولون
را بشکل قطعی کنونی در آورد و صدا داری خوبی بدان بخشید دسته این ابزارها
مانند ویول بیشترینه بيك ستاره بشکل گل بنفشه منتهی میشد .



آخرین ویولونی که سترا دیوار یوس در سال ۱۷۳۷ ساخت بنام (آواز قو)
مشهور گردید ویولون ساز شهیر ۹۳ سال داشت . این ابزار بسیار ارجمند و در سلك
مجموعه (کران و برناردل) بشمار بود (۱) در سال ۱۸۷۱ یوسف وایت Joseph
withe ویولون زن آنرا خرید بیست و شش سال بعد ویولون سازان (کرسا و فرانسه)
Cressa · Francais آنرا برای يك هوسكار Amateur فرانسوی بیهائی کران خریداری
کردند در سال ۱۹۰۸ ویولون زن امریکائی کرایسلر يك ویولون گوارنری و الاکهری
را از يك مجموعه ساز Collectionneur انگلیسی بنام ژورژ هارت بینجاه هزار فرانك
خرید روی دسته ویولون نشانه از اسم سازنده و تاریخ ساختمان (۱۷۳۷) با الماس
نشانیده شده و گوشیهای ویولون نیز الماس و یاقوت نشان و قوطی آن با پوشه از سیم
فام مزین با پولك های لاک پشت و اسلمی های تازی پوشیده شده بود .

یا کائینی يك ویولون گوارنری گرانبهائی داشت این ویولون را روزی به ویوم
Vuillaume سپرد تا تعمیر و نوسازی کند ویولون ساز ازین پیدشاهد بسیار خرم گردید

چه در صدد برآمد ویولون دیگری لنگه آن بسازد ولی این کار آسان نبود ویولونهای
گوارنری را میتوان بوسیله دو رکه که روی (صفحه لرزه) Table d' harmonie
بهمروی دسته کشیده میشوند باز شناخت ویولون ساز را بخت همراه بود که يك (صفحه
لرزه) همانند بدست آورد وانگهی چندین تکه ی جورا جورا داشت از يك مجموعه
(کولکسیون) که در شهر میلان خریده بود افزار پاکائینی با نواره کند کاری شده
و لبه های درشت و سر دسته زمخت امتیاز داشت لعاب روی تخته اش در جاهائی
سائیده بود (ویوم) در ساختن لنگه ویولون با همه ریزه کاریها کامیاب گشت هنگامی
که پاکائینی برای بازگرفتن ویولون خود فراز آمد ویولون ساز نسخه ساخت خود را
بدو نشان داد پاکائینی شادمان گردیده و پس از آزمایش خرسندی خود را بیان کرد
سپس ویوم پاکائینی را از جا زدن ویولونها آگاه نمود پاکائینی از این همه زبردستی
بشگفت اندر شده خواست ویولون دوم را بخرد لیکن ویولون ساز خرسندی استاد را
برای خود بهترین یاداش دانسته ویولون را برابگان بدر داد .

سپس همین ویولون را پاکائینی بشا کرد نامی خود سیووری Sivori بخشید
سیووری میگوید که در سایه همین ویولون زندگانی وی رهائی یافته :

روزگاری بود که او بخشی از امریکا را در توی کالسکه زیر پی میسپرد
وحشیان بدو حمله ورگشتند میخواستند بکشندش . بخیالش رسید که دست زی ویولون
فرا برده چنانکه باید ، بنوازد نتیجه آن شد که وحشیان از شنیدن پنجه او در جلو
آفریدگار موسیقی از در فرمانبرداری درآمدند و گردش وی بی چشم زخم بسر رسید .

کوبلیک Kubelik نیز میگوید در عمر خود گوش دهندگانی بهتر از وحشیان
ندیده است . سرخ پوستان شوستان Chostan سراپا ایستاده بدو گوش فرا داده سرشک
از دیده روان میساختند هرگز ویولون زن بدین خوبی ننواخته و چنین تأثیری بدست
نیاورده است .

در نیمه نخست سده اخیر یوسف ما آس Maas آوازه خوان تنور (با صدای

شش دانگ) در امریکا مسافرت میکرد بکروز قطار راه آهنی که در آنجا داشت مورد
 حمله سرخ پوستان واقع شده و بدست آنها گرفتار و در اردوگاه ایشان برده میشود
 او را بستونی بسته در صدد شکنجه و کشتنش بر میآیند. بیادش میرسد که در کنسرتهای
 خود صدایش در روی مردم تأثیر شگرفی پدید میآورد پس آوازه خواندن میگیرد بهمین
 ترتیب دو ایرای تمام را میخواند لیکن وسیله آسایش نمییابد. شنوندگان هم از شنیدن
 خسته نمیشوند هر بار که گمان میکنند مهلتی بدست آورده است و حشیان از روی خوشامد
 تیری سوبش انداخته او را می ترسانند و بخواندنش مجبور میسازند و اوناچار خسته
 میشود خواننده بیچاره را سرانجام فکری بسرمیفتد پیش از آن، آهنگهایی میدانست
 که شنونده را بچرت زدن و امیداشت از این آهنگها چندتائی فرو میخواند لالائیهایش
 کار خود را میکنند یعنی و حشیان باستغراق درآمده بچرت زدن میفتند. بلازده پس از
 هشت ساعت آوازه خوانی بیابی پا بگریز مینهد.

م. هشترودی

دنباله دارد



پرویشگاه علوم و طبعاست فریگی
 رتال انسانی